

## عنوان مقاله:

بررسی مکاتب فلسفی حقوق بین الملل پیرامون صلح و امنیت بین المللی

## محل انتشار:

هفتمین کنفرانس ملی افق های نوین در علوم انسانی، اقتصاد، کارآفرینی (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 14

## نویسندگان:

شهرروز دربندی - دانشجوی دکتری حقوق بین الملل، گروه حقوق و علوم سیاسی، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران

حسام الدین ترکمن - دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران

سعید مرادی - کارشناسی حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بندر عباس، هرمزگان، ایران

## خلاصه مقاله:

بحث از حقوق طبیعی از بیست و پنج قرن پیش به شکل های مختلف در میان متفکران جریان داشته است. استمرار توجهات تفکر به نظریه های مبتنی بر حقوق طبیعی در طی این مدت دراز شگفت انگیز می نماید. این نظریه ها باید دارای بخشباز حقیقت باشند که انسانها همواره حل دغدغه های فکری و درونی و حتی اجتماعی خود را در توسل به آنها جستجو میکنند. از دهه های پایانی سده بیستم نشانه های تقویت جایگاه دین در تئوری روابط بین الملل نمایانتر شده است. از یکسو، واقعیت روابط بین الملل تحت تاثیر کارگزاری قرار گرفته که با گرایش های دینی وضع موجود را به چالش می کشند و سوی دیگر، در عرصه نظری نیز جریان مسلط روابط بین الملل آماج چالش های معرفت شناختی قرار گرفته که بر ضعف ناکارایی عقلگرایی، پوزیتیویسم، و ماتریالیسم در رسیدگی به مسائیل و مشکلات روابط بین الملل تاکید می کنند. اصول وقواعد پوزیتیویسم منطقی در قلب فلسفه معاصر قرار دارد اما نه به این دلیل که پوزیتیویسم فلسفه حقیقی و آخرین کلامدر فلسفه باشد، چه میدانیم که فلسفه های بعد از جنگ جهانی دوم اغلب در نقد مذهب تحصلی منطقی است بلکه به ایندلیل که این اصول و قواعد در عین خامی شان حاکی از کوششی بود که می بایست پیش میآمد. پوزیتیویسم یک ماجرایضروری بود اما شکست آن به عنوان یک نهضت فلسفی نیز بی وجه نبود.

## کلمات کلیدی:

مکاتب فلسفی، حقوق بین الملل، مکتب حقوق طبیعی، صلح و امنیت

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1992635>

